

A Study of the Defect in the Intention of Prayers and Its Relations with the Rule of “No Resumption” Based on Imam Khomeini’s Approach

Farahnaz Afzali Qadivi¹

Research Paper

Abstract

The daily prayer is a contractual composite with several parts and conditions, some of which are pillars and some not. Intention is one of the pillars of the daily prayers. Defect in the intention is sometimes related to the prayer as a whole and sometimes it is related to its constituting parts only. The main objective of this article is to study the viewpoints of some jurists and Imam Khomeini regarding the role of intention in prayers. Analytical-descriptive method has been used in this research. The main question of this research is as follows: What is the relationship between any defect in the intention of prayers and its invalidity? The findings of the research show that intention means “the performance of the prayers with the purpose of saying it and performing its constituting parts which follows the will to say the prayers”. Any defect in the intention of the prayer itself, leads to its invalidity. Regarding the constituting parts of the prayers, if the worshipper at the time of deciding to say the prayers decides to perform its constituting parts, the constituting parts will be parts of his mission, otherwise, they will not be parts of the prayers and the prayers will be invalid. If defect in the intention is related to the parts that are pillars of the prayers, it will lead to its invalidity, but defect in the intention related to the parts that are not pillars, on the basis of the “rule of no resumption”, will not lead to the invalidity of the prayers, but invalidates that particular part and if possible its resumption is mandatory. But if the worshipper enters the next pillar of the prayers, on the basis of the said rule, it is not mandatory to compensate it and the prayers will be valid.

Keywords: Prayers, defect, pillar, prayers, Rule of No Resumption, purpose, intention.

1. Assistant Professor, Department of the Sources of Islamic and Iranian Studies and Manuscripts, Tehran, Iran, E-mail: f-afzali@nlai.ir
ID= 0000-0001-5862-9723

واکاوی خلل در نیت نماز و نسبت آن با قاعده لاتعداد با رویکردی بر نظرات امام خمینی (ره)

فرحناز افزلی قادی^۱

مقاله پژوهشی

چکیده: نماز مرکبی اعتباری و دارای اجزا و شرایط متعددی است که برخی رکن و برخی غیر رکن هستند. نیت، رکن نماز محسوب می‌شود. خلل در نیت گاهی نسبت به اصل نماز و گاهی نسبت به اجزای نماز است. این مقاله با شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی آرای فقها و امام خمینی پرداخته است. سؤال پژوهش این است که آیا هرگونه خللی در نیت نماز، موجب بطلان آن می‌شود؟ نتیجه نشان داد که نیت نماز عبارت است از اتیان نماز به قصد امتثال و اتیان اجزای آن به تبع اراده نماز. هرگونه اخلال در نیت اصل نماز، موجب بطلان نماز می‌گردد؛ اما در مورد اجزای نماز، اگر مکلف از اراده نماز به ایجاد اجزای آن منبعث شود، در این صورت آن اجزا، جزء مأموریه خواهند بود، ولی در غیر این صورت، آن‌ها جزء نماز نبوده و نماز باطل می‌شود. اگر اخلال در نیت، نسبت به اجزای رکنی نماز باشد، موجب بطلان نماز می‌گردد؛ اما اخلال به نیت در اجزای غیر رکنی، به دلیل مقتضای قاعده لاتعداد، موجب بطلان نماز نمی‌شود بلکه فقط همان جزء باطل می‌گردد که در صورت امکان تدارک آن، جبرانش واجب است والا به دلیل ورود در رکن بعدی و تجاوز از محل، با استناد به قاعده لاتعداد، نماز صحیح خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: خلل، رکن، نماز، قاعده لاتعداد، قصد، نیت.

۱. استادیار گروه پژوهشی منابع اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی و نسخ خطی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران.

E-mail: f-afzali@nlai.ir

ID= 0000-0001-5862-9723

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۷

پژوهشنامه تئین / سال بیست و چهار / شماره نود و چهار / بهار ۱۴۰۱ / صص ۵۶-۳۱

مقدمه

عنوان نماز از عناوین قصديه بوده که صرف اتیان صورت آن بدون قصد و با غفلت از عنوان آن، در حصول فعل کافی نخواهد بود (بروجردی ۱۴۲۰ ج ۲: ۱۱). لذا وجود نیت برای تحقق اصل نماز ضروری است و رکن نماز هم محسوب می‌شود، اما آیا هر خللی در نیت نماز صورت گیرد باعث بطلان آن می‌شود؟ یا می‌توان به کمک قاعده لاتعاد از اعاده نماز جلوگیری کرد؟

اهمیت: بررسی نقش قاعده لاتعاد در جلوگیری از بطلان نماز در صورت بروز خلل در نیت اجزای نماز.

ضرورت: از آنجا که نیت، از ارکان نماز است؛ ممکن است تصور شود که هرگونه خللی در آن، موجب بطلان نماز می‌شود. بررسی انواع خلل در نیت نماز، جوانب این قضیه را روشن خواهد کرد.

هدف اصلی: بررسی قاعده لاتعاد در صورت بروز خلل در نیت نماز.

اهداف فرعی: ۱. بررسی تأثیر خلل در نیت اصل نماز (به‌عنوان رکن نماز)؛ ۲. چگونگی ایجاد خلل در نیت سایر اجزای نماز.

سؤال اصلی: در صورت بروز خلل در نیت اجزای نماز، قاعده لاتعاد چگونه مانع از بطلان نماز می‌شود؟

سؤالات فرعی: ۱. نتیجه خلل در نیت اصل نماز (به‌عنوان رکن نماز) چیست؟ ۲. در چه صورت خلل در نیت اجزای نماز موجب بطلان نماز می‌شود؟

فرضیه اصلی: در صورتی که اراده اجزای نماز منبث از اراده اصل نماز باشد، آن اجزا، جزء نماز محسوب شده و عقد مستثنی‌منه قاعده لاتعاد مانع از بطلان نماز در صورت ایجاد خلل غیر عمدی در نیت اجزای غیر رکنی خواهد شد.

فرضیه‌های فرعی: ۱. نیت اصل نماز جزو ارکان نماز بوده و خلل عمدی و غیر عمدی در آن موجب بطلان نماز می‌شود. ۲. در صورتی که اراده جزء، منبث از اراده طبیعت نماز نباشد بلکه یا اراده مستقل و غیر تابع اراده کل یا تابع مبادی دیگری غیر از اراده نماز باشد، این جزء، جزء طبیعت مأمور بها نبوده و این خلل نیز موجب بطلان نماز می‌شود.

روش: در این مقاله با شیوه توصیفی - تحلیلی و با بررسی آرای فقهای عظام، ماهیت

نیت و نقش آن در قوام نماز و چگونگی جریان یا عدم جریان قاعده لاتعاد در صورت ایجاد خلل در نیت نماز با محوریت آرای امام خمینی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. پیشینه تحقیق

بحث «خلل در نیت نماز» فاقد پیشینه مستقل است؛ اما در چند مقاله و پایان‌نامه به‌طور محدود و جزئی و در ضمن بیان قاعده لاتعاد به آن اشاراتی شده است. از جمله:

- موسوی‌بجنوردی (۱۳۸۰) در مقاله «قاعده لاتعاد الصلاة الا من خمس الطهور و القبلة و الوقت و الركوع و السجود» به تشریح قاعده لاتعاد و عقد مستثنی و مستثنی‌منه آن پرداخته است.
- روحانی و علیزاده (۱۳۹۶) در مقاله «الخلل فی الغسل با رویکردی بر آرای امام خمینی^(س)» آسیب‌ها و خلل وارده بر غسل و بررسی حکم بطلان و یا عدم بطلان آن طبق قواعد اولی و ثانوی را بررسی کرده‌اند.
- علیخانی (۱۳۸۵) در پایان‌نامه «بررسی قاعده لاتعاد با تأکید بر آراء امام خمینی^(س) و آیت‌الله خویی^(س)» عقد مستثنی و مستثنی‌منه قاعده لاتعاد را بررسی نموده و به نسبت قاعده و تعارض آن با سایر ادله و موارد استعمال قاعده نیز اشاره کرده است. در هیچ‌کدام از موارد پیشینه، ماهیت نیت نماز و ارتباط آن با سایر اجزای نماز و خلل‌های وارده بر آن و چگونگی جریان یا عدم جریان قاعده لاتعاد در صورت بروز خلل مخصوصاً از دیدگاه امام خمینی^(س) بررسی نشده است.

۲. مبانی مفهومی

قبل از ورود به بحث ابتدا به بیان مفهوم لغوی و اصطلاحی چند واژه می‌پردازیم:

۲-۱. جزء و شرط

جزء در لغت به معنی نصیب و قطعه‌ای از یک شیء است (ابن‌منظور ۱۴۱۴ج: ۱: ۴۵)؛ و آنچه یک شیء از آن تشکیل شده باشد (مصطفی بی‌تاج: ۱: ۱۲۰). شرط در لغت به معنی الزام و التزام شیء به یک چیزی است (ابن‌منظور ۱۴۱۴ج: ۷: ۳۲۹)؛ و آنچه داخل در حقیقت شیء نیست ولی

در عین حال شیء بدون آن ناقص است (مصطفی بی تاج ۱: ۴۷۹)؛ اما در اصطلاح فقهی، نماز از برخی امور و قیود وجودی و عدمی تشکیل شده است. اگر قید و تقید باهم در نماز لحاظ شوند به آن، جزء گفته می‌شود، ولی اگر فقط تقید مدنظر باشد (و نه قید)، به آن شرط می‌گویند. شرط نقشی در ماهیت و حقیقت نماز ندارد (خویی ۱۴۱۰ ج ۳: ۶ و باورقی ۵).

۲-۲. رکن

واژه «رکن»؛ مفرد و جمع آن ارکان است. در لغت، به جانب قوی یک چیز گفته می‌شود که قوام و پایداری اش به آن وابسته است (ابن منظور ۱۴۱۴ ج ۱۳: ۱۸۵؛ صاحب بی تاج ۶: ۲۴۸) یا شیئی که اشیاء دیگر به آن تکیه می‌کنند به گونه‌ای که فقدان آن موجب زوال آن اشیاء خواهد شد (خویی ۱۴۱۰ ج ۳: ۸) تعبیر به رکن در کلام فقهای گذشته، از زمان محقق حلی به بعد (به جز برخی موارد در کلام شیخ طوسی در مبسوط و ابن حمزه در الوسیله) رواج پیدا کرده و حتی در روایات امامان معصوم^(ع) نیز چنین تعبیری نیامده است (بروجردی ۱۴۲۰ ج ۲: ۶۲).

بروجردی معتقد است که رکن همانند پایه‌هایی است که سقف بر آن بنا می‌شود به گونه‌ای که اگر یکی از پایه‌ها نباشد سقف فرومی‌ریزد؛ و در اصطلاح فقه، رکن آن چیزی است که نقصان عمدی و سهوی در آن موجب بطلان فعل می‌شود لذا زیادی در عمل گرچه موجب اخلال در فعل می‌شود، ولی بامعنا لغوی آن تناسبی ندارد؛ زیرا اضافه کردن رکن موجب فرو ریختن سقف نخواهد شد؛ بنابراین بطلان فعل از باب اخلال در رکن نیست بلکه از این باب است که شرطی در این مرکب ذکر شده و آن عدم تعدد یا تکرار فلان جزء است (بروجردی ۱۴۲۶ ج ۵: ۶۷).

۲-۳. خلل

خلل در لغت به معنای شکاف بین دو چیز است (ابن منظور ۱۴۱۴ ج ۱۱: ۲۱۳؛ جوهری ۱۴۰۷ ج ۴: ۱۶۸۷؛ فراهیدی ۱۴۰۹ ج ۴: ۱۴۰) همین‌طور به معنای فساد در امر (جوهری ۱۴۰۷ ج ۴: ۱۶۸۷؛ صاحب بی تاج ۴: ۱۷۵) و در اصطلاح فقه، خلل به آسیب‌ها و صدماتی گفته می‌شود (اعم از زیاده و نقصان) که بر ماهیات مرکب اعتباری و ارکان و اجزای آن وارد شده و موجب فساد آن می‌شود که گاهی قابل علاج بوده و گاهی نیست. لذا بطلان شیء گاهی به دلیل نقص

و عدم تطابق مأموریه با ماتی^۲ به است و گاهی به واسطه ایجاد زیاده و مزاحمت بین وجود زیاده و مأموریه و یا عارض شدن فساد غالب بر مصلحت در شیء که تعیین موارد تراحم و جعل مبطلیت آن هم با شارع مقدس است (امام خمینی ۱۳۸۴: ۱۰-۹).

۴-۲. قاعده لاتعاد

قاعده «لاتعاد» از جمله قواعد فقهی ای است که در باب عبادات وارد شده و مدرک آن روایتی از امام باقر^(ع) است: «لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ حَمْسَةِ الظُّهُورِ وَ الْوَقْتِ وَ الْقِبْلَةِ وَ الرَّكُوعِ وَ السُّجُودِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقِرَاءَةُ سُنَّةٌ وَ الشَّهَادَةُ سُنَّةٌ وَ التَّكْبِيرُ سُنَّةٌ وَ لَا تَنْقُضُ السُّنَّةَ الْقَرِيضَةَ»؛ یعنی هرگاه به دلیل عذر عقلی و شرعی، امر به نماز تام و کامل، ساقط شود، به مقتضای اطلاق ادله اجزا و شرایط بعد از رفع عذر، اعاده در وقت یا قضا در خارج وقت واجب خواهد بود ولیکن قاعده لاتعاد طبق شرایطی با حاکم شدن بر اطلاق ادله اجزا و شرایط و با نفی جزئیت و شرطیت و مانعیت، اعاده در وقت یا قضا در خارج از وقت را منتفی می کند (موسوی بجنوردی ۱۳۷۷ ج ۱: ۸۹، ۷۹).

محقق حلی معتقد است که هرگونه اخلال عمدی و یا از روی جهل در نماز اعم از خللی که در اجزا و شرایط ایجاد گردد، نماز را باطل می کند و مشمول قاعده لاتعاد نمی شود (محقق حلی ۱۴۰۹ ج ۱: ۸۶)، ولی اگر علم و عمد وی به جهت تقیه، اضطرار، اکراه و... بوده باشد، باینکه قاعده لاتعاد منصرف از عالم عامد است ولیکن خلل ایجاد شده به دلیل شمول حدیث رفع و روایات تقیه، مبطل عمل نخواهد بود؛ البته به شرط آنکه به واسطه بروز خلل، ماتی^۲ به از عنوان نماز خارج نشده باشد (امام خمینی ۱۳۸۴: ۲۵-۱۵). جهل از روی تقصیر هم ملحق به علم است و حدیث رفع منصرف از جاهل مقصر بوده و آن را شامل نمی شود، ولی در صورتی که خلل ایجاد شده به واسطه جهل قصوری بوده باشد و جاهل قاصر باشد، حکم به صحت عمل می شود (امام خمینی ۱۳۸۴: ۲۶-۲۵) اما خلل سهوی چه به صورت زیاده و چه نقیصه در صورتی موجب بطلان نماز می گردد که به ارکان نماز خللی وارد شود (محقق حلی ۱۴۰۹ ج ۱: ۸۷ و پاورقی).

۵-۲. نیت

نیت در لغت به معنای قصد و عزم بر فعل است (ابن فارس ۱۳۹۹ ج ۵: ۳۶۶؛ جوهری ۱۴۰۷ ج

۶: ۲۵۱۶؛ و در اصطلاح، نیت قصد فعل به هدف امتثال مولاست به گونه‌ای که با وجود آن، فرد از شخص ساهی و غافل متمایز می‌شود و فعل او همانند سایر افعال ارادی و اختیاری در زمره فعل فاعل مختار قرار می‌گیرد (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۱۲۶). جایگاه آن در قلب است و ذکر زبانی آن هیچ اعتباری ندارد (علامه حلی ۱۴۱۴ ج ۳: ۱۰۰).

۳. جزء یا شرط بودن نیت

در اینکه آیا نیت از اجزای نماز است یا شروط آن، اقوال مختلفی وجود دارد. برخی فقها مثل صاحب شرایع قائل به جزئیت نیت در نماز هستند و آن را جزء واجبات نماز می‌دانند (شهید اول ۱۴۱۹ ج ۴: ۳۱؛ محقق حلی ۱۴۰۹ ج ۱: ۶۲) اما صاحب مدارک، قائل به شرطیت نیت در نماز است (محقق حلی ۱۴۰۷ ج ۲: ۱۴۹؛ موسوی عاملی بی‌تاج ۳: ۳۰۸) و بعضی هم در جزئیت و هم شرطیت آن تردید کرده‌اند و ابتدا آن را جزء و سپس شبه به شرط دانسته‌اند (شهید ثانی ۱۴۱۳ ج ۱: ۱۹۵؛ محقق کرکی ۱۴۱۴ ج ۲: ۲۱۷) اما صاحب جواهر قول به شرطیت نیت برای نماز را اقوی می‌داند (نجفی ۱۳۶۲ ج ۹: ۱۵۲) برخی علما از جمله علامه حلی هفت چیز یعنی قیام، نیت، تکبیرة الاحرام، قرائت، رکوع، سجود و تشهد را جزء واجبات نماز می‌داند (علامه حلی ۱۴۱۰ ج ۱: ۴۳۶) ایشان نیت را جزء اجزای نماز دانسته و نسبت به بطلان نماز در صورت اخلال عمدی یا سهوی در نیت، ادعای اجماع می‌کند (علامه حلی ۱۴۱۰ ج ۱: ۴۴۵) صاحب عروة الوثقی یازده چیز یعنی نیت، قیام، تکبیرة الاحرام، رکوع، سجود، قرائت، ذکر، تشهد، سلام، ترتیب و موالات را جزء واجبات نماز برمی‌شمارد (طباطبایی یزدی ۱۴۱۷ ج ۲: ۴۳۳). خوبی کلام صاحب عروه مبنی بر جزئیت نیت در نماز را غیر وجیه دانسته و معتقد است که نیت دخالتی در ماهیت و حقیقت نماز ندارد؛ بنابراین یا جزء شرایط نماز محسوب می‌شود و یا نه جزء است و نه شرط. در واقع نماز از تعدادی قیود وجودیه و عدمیه تشکیل شده که اگر به صورت قید و تقید لحاظ شوند، جزء بوده و در صورتی که تقید بدون قید باشد، شرط محسوب می‌شود. حال اگر این شرط مربوط به تمام حالات نماز و حتی آفات متخلله در بین اجزای آن باشد مثل طهارت و استقبال و ستر، جزء شروط و مقدمات نماز به حساب آمده و اگر فقط مربوط به نفس اجزای نماز باشد و نه آفات متخلله بین آن‌ها، جزء شرایط اجزا محسوب می‌شود. چه در تمام اجزا معتبر باشد مثل ترتیب، موالات، طمأنینه و چه

مربوط به بعضی اجزا مثل قیام در حالت قرائت یا جلوس در حال تشهد باشد (خوبی ۱۴۱۰ ج ۳: ۵-۶). دلیلی هم بر جزئیت نیت وجود ندارد و قدر متیقن از اجماع بر ضرورت وجود نیت در نماز، آن است که به غیر داعی قربت، شیئی اتیان نشود. مضافاً اینکه دلیل برخلاف جزئیت آن نیز قائم است؛ زیرا در روایات آمده است که اول نماز، تکبیر و آخر آن تسلیم است. پس احتمال جزء بودن نیت قطعاً ساقط است (خوبی ۱۴۱۰ ج ۳: ۱۰).

امام خمینی نیز در بحث شروط معتبر در نماز، نیت را از جمله «شروط» نماز می‌شمارد و نسبت به بطلان نماز در صورت بروز خلل در آن ادعای اجماع می‌کند (امام خمینی ۱۳۸۴: ۶۵) ولی فرزند ایشان مصطفی خمینی معتقد است که نیت نه جزء نماز است و نه از افعال آن، بلکه از مقومات آن است به طوری که نماز بدون آن، نماز نبوده و در صورت فقدان نیت، اتیان سایر اجزا و افعال نماز بی‌ثمر است؛ و در صورت عدم قصد و اراده آن عنوان بسیط که بر اجزایش منحل شود، آن طبیعت محقق نمی‌گردد (خمینی ۱۴۱۸: ۵) یعنی اگر همه شرایط و اجزای نماز آورده شود ولو اینکه از روی جهل یا نسیان با نیت همراه نشود، نماز باطل خواهد شد؛ زیرا نماز امری قصدی بود و بر این افعال بدون نیت، نماز اطلاق نمی‌گردد (خمینی ۱۳۷۶: ۷۹).

۴. رکن یا غیر رکن بودن نیت

تعبیر رکن در کلام فقهای گذشته، از زمان محقق حلی به بعد (به جز برخی موارد در کلام شیخ طوسی در مبسوط و ابن حمزه در الوسیله) رواج پیدا کرده و حتی در روایات امامان معصوم^(ع) نیز چنین تعبیری نیامده است (بروجردی ۱۴۲۰ ج ۲: ۶۲). شیخ طوسی افعال واجب نماز را به دو قسم رکن و غیر رکن تقسیم نموده و می‌گوید رکن، چیزی است که ترک آن به صورت سهوی و یا عمدی موجب بطلان نماز می‌شود و شامل (قیام در صورت قدرت)، نیت، تکبیرة الاحرام، رکوع و سجود است و غیر رکن، چیزی است که ترک عمدی آن نماز را باطل می‌کند، ولی ترک سهوی آن به نماز لطمه‌ای نمی‌زند (شیخ طوسی ۱۳۸۷ ج ۱: ۱۰۰-۹۹). محقق حلی و علامه حلی نیت را جزء ارکان نماز می‌دانند که هرگونه اخلال عمدی و سهوی آن موجب بطلان نماز خواهد شد (علامه حلی ۱۴۱۰ ج ۱: ۴۳۶؛ محقق حلی ۱۴۰۹ ج ۱: ۶۲). صاحب عروة الوثقی یازده چیز شامل نیت، قیام، تکبیرة الاحرام، رکوع، سجود،

قرائت، ذکر، تشهد، سلام، ترتیب و موالات را جزء واجبات نماز و پنج مورد اول را جزء ارکان نماز می‌داند (طباطبایی یزدی ۱۴۱۷ ج ۲: ۴۳۳). صاحب جواهر بنا بر اجماع محصل، منقول و بنا بر تواتر، نیت را رکن نماز دانسته و معتقد است که احدی از علما هم قائل به عدم رکنیت آن نشده‌اند و اخلال عمدی و سهوی در آن موجب بطلان نماز است (نجفی ۱۳۶۲ ج ۹: ۱۵۴، ۱۵۲).

۵. ماهیت نیت و خلل در آن

در مورد ماهیت نیت، اقوال مختلفی مطرح است. قول اول نیت را از مقوله قصد و اراده می‌داند (علامه حلی ۱۴۱۳ ج ۱: ۲۶۹؛ فخرالمحققین ۱۳۸۷ ج ۱: ۱۰۱) که جایگاه آن در قلب است و ذکر زبانی آن هیچ اعتباری ندارد (علامه حلی ۱۴۱۴ ج ۳: ۱۰۰) و قول دوم که به مشهور منتسب شده نیت را از مقوله خطورات ذهنی و حدیث نفسی ممتد بر می‌شمارد (شیخ انصاری بی تا ج ۲: ۸۱).

۵-۱. نیت به معنای قصد و اراده

بسیاری از علما از جمله محقق حلی (محقق حلی ۱۴۰۹ ج ۱: ۱۵)، صاحب مدارک، صاحب تذکره و صاحب عروه نیت را به معنای قصد قلبی می‌دانند. صاحب مدارک نیت را عبارت از یک امر بسیط (قصد فعل) دانسته؛ اما چون قصد کردن یک چیز معین منوط به علم به آن شیء است، لذا برای قصد کردن نماز، ابتدا باید ذات و صفات آن را که تعیین نماز منوط به آن است در ذهن احضار کرد سپس خود نماز را به منظور امتثال امر مولی، قصد نمود (موسوی عاملی بی تا ج ۳: ۳۰۹) صاحب تذکره در بیان ماهیت نیت می‌گوید نیت همان قصد است و جایگاه آن در قلب است و ذکر زبانی آن هیچ اعتباری ندارد (علامه حلی ۱۴۱۴ ج ۳: ۱۰۰) صاحب عروه نیز نیت را قصد انجام فعل به عنوان امتثال امر مولی و قربت دانسته و اینکه همان انگیزه و داعی قلبی در تحقق نیت کفایت می‌کند و نیازی به خطور نیت در ذهن یا تلفظ آن نخواهد بود. ایشان معتقد است که حال نماز و سایر اعمال عبادی از نظر نیت، همچون حال افعال اختیاری مثل خوردن، خوابیدن، قیام و قعود است. با این تفاوت که در اعمال عبادی داعی و محرک، امتثال و قصد قربت است (طباطبایی یزدی ۱۴۱۷ ج ۲:

۴۳۳-۴۳۴) امام خمینی نیز نیت را قصد فعل به هدف امتثال مولا می داند و اخطار در ذهن را لازم ندانسته بلکه داعی را که همان اراده اجمالی مؤثر در صدور فعل و محرک انجام عمل به قصد امتثال است، کافی می داند به گونه ای که با وجود آن، فرد از شخص ساهی و غافل متمایز می شود و فعل او همانند سایر افعال ارادی و اختیاری در زمره فعل فاعل مختار قرار می گیرد (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۱۲۶). حکیم در توضیح کلام صاحب عروه می گوید منظور از داعی قلبی همان اراده اجمالی متمرکز در نفس است که در صورت وجود آن، عمل اختیاری و عمدی خواهد شد گرچه شخص به صورت فعلی به عمل خود ملتفت نباشد؛ و منظور از خطور ذهنی، حاضر کردن صورت فعلی که موضوع امر واقع شده در ذهن است که بنا بر نظر مشهور مقارنت این نیت با ابتدای فعل ضروری است (طباطبایی حکیم ۱۳۹۱ ج ۶: ۵-۶). صاحب عروه می افزاید که برای شروع عبادت در ابتدای نماز، نیازی به تصور تفصیلی نماز در ذهن نیست و حضور اجمالی کفایت می کند. ولی نیت کردن مجموع افعال و اجزای نماز به یک باره یا نیت کردن اجزای نماز به گونه ای که بازگشت آن‌ها به خود نماز باشد، واجب است و جایز نیست که هر کدام از اجزا به طور مستقل و بدون لحاظ جزئیات آن برای نماز لحاظ شوند (طباطبایی یزدی ۱۴۱۷ ج ۲: ۴۴۰، مسئله ۴)؛ زیرا تک تک اجزا به طور مستقل موضوع امر نیستند و در صورت نیت کردن، جزء مأمور به محسوب نمی شوند (طباطبایی حکیم ۱۳۹۱ ج ۶: ۱۹).

امام خمینی در مورد نیت تعلق گرفته به اجزای نماز و چگونگی ایجاد خلل در آن‌ها می گوید که اراده امری بسیط و دایر مدار بین وجود و عدم است. اراده تعلق گرفته به کل نماز، غیر از اراده تعلق گرفته به اجزای آن مثل تکبیر الاحرام و رکوع و سجود است؛ و مکلف از اراده نماز که طبیعت مأمور بهها است به ایجاد اجزای آن مثل رکوع و سجود منبعث می شود. لذا بعد از علم مکلف به تکلیفی که به طبیعت تعلق گرفته و تصدیق به وجود مصلحت در فعل و لزوم ایجاد آن و بعد از علم به اینکه وجود طبیعت متوقف بر وجود اجزای آن است و تصدیق فایده آن، اراده وی به ایجاد آن جزء تعلق می گیرد و در این صورت آن جزء، مأمور به محسوب می شود خواه شخص در حال ایجاد جزء، به اراده تعلق گرفته به طبیعت نماز یا اراده تعلق گرفته به اجزای آن التفات داشته یا نداشته باشد؛ و این توجه و عدم توجه به اراده، سبب خلل در نیت نه نسبت به خود نماز و نه نسبت به اجزای آن

نخواهد شد؛ اما اگر نسبت به طبیعت و امر تعلق گرفته به آن غفلت تام پیدا کند، به طوری که اراده جزء، منبعث از اراده طبیعت نباشد بلکه یا اراده مستقل و غیر تابع اراده کل باشد یا تابع مبادی دیگری غیر از اراده نماز باشد در این صورت خلل در نیت رخ داده و این جزء، جزء طبیعت مأموریه نخواهد بود چون در عبادت این معتبر است که اراده اجزا، منبعث از اراده مأموریه باشد. با این بیان در صورتی که نیت به معنای قصد و اراده در نظر گرفته شود، حصول خلل در آن قابل تصور است. البته نه خلل به معنای فقدان اراده. چون این فقدان در فعل اختیاری قابل تصور نیست؛ بنابراین اگر اجزای نماز از تکبیر الاحرام تا سلام نماز از طریقی غیر از باعیت اراده متعلق به طبیعت نماز موجود شود، لازم‌اش این است که این اجزا، اجزای نماز نباشند. حال اگر این خلل در نیت، در اجزای رکنی واقع شود، نماز باطل می‌گردد؛ زیرا فقدان رکن، موجب بطلان نماز می‌شود، ولی اگر نیت در اجزای غیر رکنی مورد خلل واقع شود، نماز باطل نشده بلکه فقط همان جزء باطل می‌گردد. اگر امکان تدارک آن وجود داشته باشد، جبران‌ش واجب است. و الا با استناد به عقد مستثنی‌منه قاعده لاتعاد، نماز صحیح است (امام خمینی ۱۳۸۴: ۷۰-۶۷). به عقیده امام خمینی ممکن است گفته شود که باینکه نیت جزء پنج مورد عقد مستثنای قاعده لاتعاد نیست ولیکن محکوم به حکم آن‌هاست و خلل سهوی در آن موجب بطلان نماز می‌شود چراکه قاعده لاتعاد معلل شده به عدم نقض فریضه توسط سنت ولی نیت بنا به آیه ۵ سوره بینه «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيُعْبَدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» چون اعتبارش را از قرآن گرفته پس فریضه است نه سنت؛ و لذا قاعده لاتعاد، دلالت بر عدم اعاده نماز در صورت اخلال به نیت نمی‌کند و نیت از شمول سنتی که اخلال در آن موجب نقض فریضه نمی‌شود، خارج می‌گردد و داخل در فریضه ناقضه می‌شود.

ولیکن این کلام باطل است؛ زیرا اولاً آیه کریمه و موارد مشابه آن درصدد بیان اخلاص در نیت بوده و آیات قرآن از اعتبار نیت، اجنبی هستند و هیچ اعتبار شرعی از طرف شارع مقدس مبنی بر جعل نیت و قصد، برای قوام مرکبات خارجی و اعتباریه وجود ندارد که آیه شریفه بخواهد بر آن دلالت کند بلکه این مسئله به حکم عقل است.

ثانیاً بر فرض دلالت آیه بر اعتبار نیت در عبادت که با این لحاظ، نیت جزء فریضه خواهد شد، هیچ دلیلی بر این که فریضه (آنچه طبق کتاب خداوند متعال واجب شده)،

ناقص فریضه باشد و اخلال به آن موجب بطلان فریضه گردد، وجود ندارد بلکه فقط صدر حدیث لاتعاد، آن هم با عقد مستثنایش موجب حصر ناقض نماز در پنج چیز می شود که اخلال در آن ها سبب بطلان نماز می گردد. ذیل این حدیث، فقط دلالت بر قاعده «عدم نقض فریضه توسط سنت» می کند. منظور از سنت هم چیزی است که به واسطه حدیث نبوی واجب شده باشد؛ اما نه صدر و نه ذیل قاعده لاتعاد هیچ دلالتی بر قاعده «کل فریضه ناقضه للفریضه» ولو در غیر این پنج مورد نمی کند؛ بنابراین غیر از موارد پنج گانه عقد مستثنای قاعده لاتعاد (اعم از اجزا و شرایط) چه حکم آن از کتاب گرفته شده باشد و چه از سنت، داخل در عقد مستثنی منه قاعده لاتعاد هستند و اخلال در آن ها موجب بطلان نماز نمی شود مگر آنکه دلیل خاصی بر ناقضیت آن و خروج از این اطلاق اقامه شود (کرباسی ۱۳۸۲ ج ۱: ۲۰۹-۲۰۶).

۲-۵. نیت به معنای خطور ذهنی

شیخ انصاری قولی منتسب به مشهور را بیان می کند که نیت در نزد آن ها همان خطور ذهنی و حدیث نفسی ممتد است (شیخ انصاری بی تا ج ۲: ۸۱). طبق نظر مشهور در صورت پذیرش قول خطور ذهنی برای نیت، مقارن بودن عبادت با نیت و عدم نیتی منافی با نیت اول و استدامه حکمی آن؛ یعنی استمرار حکم نیت و بقای اراده ارتکازی تا پایان عمل لازم است (شهید ثانی ۱۴۱۳ ج ۱: ۳۴؛ طباطبایی حکیم ۱۳۹۱ ج ۶: ۶-۷). وحید بهبهانی با استناد به آیه چهارم سوره احزاب یعنی «ما جعلَ اللهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» می گوید قائلین به معنای خطور ذهنی معتقدند که بر اساس این آیه یا باید خطور در ذهن کنند و یا ایجاد اجزای نماز و چون در آن واحد نمی توان به دو امر اشتغال داشت؛ بنابراین باید قائل به استدامه حکمی شویم و در مورد مقارنت نیت با اولین جزء عمل و خطور در ذهن، به جز آنچه از اسکافی در باب استحباب طهارات ذکر شده، در هیچ یک از ابواب عبادات نصی از قدما ندیده ام و آنچه در کتاب و سنت وجود دارد، اعتبار قصد است و فعل اختیاری بدون قصد فعل و غایت آن امکان پذیر نیست که در مورد عبادات قصد غایت، همان امثال امر مولی است و لذا وقوع یک جزء از اجزای عبادت بدون نیت تقرّب محال است و عبادت باطل خواهد بود و اگر خداوند متعال هم از ما فعل بدون قصد را بخواهد تکلیف بمالایطاق کرده است؛ بنابراین

نیازی نیست که مقارنت نیت با اولین جزء عبادت و سپس استدامه حکمی آن شرط شود. لذا تک تک اجزای نماز نمی تواند از قصد غایت که همان تقرّب به خداست خالی باشد که لازمه آن استدامه فعلی در نیت است و نه استدامه حکمی؛ و مقارنت برای تک تک اجزا لازم است و نه فقط جزء اول. ولی احتیاط آن است که در ابتدای نماز، به طور عرفی و نه حقیقی مقارنت و خطوط ذهنی انجام شود تا افراد دچار وسواس هم نشوند (وحدید بهبهانی بی تا ج ۳: ۳۷۶، ۳۷۲، ۳۶۳، ۳۵۹). برخی از فقها انتساب نیت به معنای خطوط ذهنی به مشهور وارد کرده و معتقدند که منظور مشهور به درستی درک نشده است. منظور آن‌ها ظاهراً این بوده که نیت عبارت است از اراده تفصیلیه‌ای که از تصور فعل و غایت آن نشأت می‌گیرد و این صورت پدیدار شده در خاطر شخص، مقدمه نیت خواهد بود و نه خود نیت. نیت، اراده‌ای است که توسط قلب صورت می‌گیرد. درحالی که امر ذهنی در نفس جای دارد و در نزد متأخرین به داعی و انگیزه فعل معروف است (نه نیت)؛ و اراده و قصد بر آن صدق نمی‌کند بلکه این از آثار و احکام نیت سابق است که برای آنکه عمل اختیاری و از روی قصد و اراده باشد، باید نیت نخستین تا انتهای عمل موجود باشد (همدانی ۱۴۱۸ ج ۲: ۱۴۱).

امام خمینی نیز قول منتسب به مشهور را باطل دانسته و می‌گوید با این مبنا در افعال اختیاری مخصوصاً عبادات، خطورات ذهنی، جایگزین قصد و اراده خواهد شد درحالی که عبادات از جمله افعال اختیاری است که برای وجود یافتن، به یکسری مقدمات اعم از تصور عمل، تصدیق به مصلحت، اشتیاق در نفس و همچنین اراده نیاز دارد و واضح است که خطورات ذهنی از سنخ تصور بوده و نمی‌تواند بدون تحقق سایر مقدمات، علتی برای تحریک اعضا برای ایجاد فعل باشد که آن نیز تابع تحقق مبادی اختیاریه تصدیق، اشتیاق و اراده در نفس به جانب فعل است؛ و لذا برخی از محققین برای توجیه نظر قائلین به معنای خطور ذهنی برای نیت، کلام آن‌ها را حمل بر این کرده‌اند که خطور ذهنی از مقدمات حصول اراده و نیت و مقدم بر آن‌هاست درحالی که این توجیه باطل است (امام خمینی ۱۳۸۴: ۶۶)؛ زیرا لازمه این قول آن است که بگوییم شارع مقدّس این تصویری که تحقق فعل خارجی تکویناً و با قطع نظر از اعتبار شارع بر آن متوقف شده را از شرایط صحت عبادات قرار داده است که لازمه آن، لغو بودن اعتبار شارع حکیم خواهد بود درحالی که کلام لغو از حکیم صادر نمی‌شود (کرباسی ۱۳۸۲ ج ۱: ۱۹۴-۱۹۳). بلکه بهتر آن است که بگوییم منظور

آن‌ها از خطور در ذهن، اعتبار امری زائد بر مبادی فعل اختیاری (تصور، تصدیق، قصد و اراده که در تمام افعال اختیاری مشترک است) می‌باشد؛ و این زائد، همان حاضر کردن نیت در نفس است. کما اینکه در روایات باب حج آمده است که در هنگام نیت، فرد مخیر بین بر زبان راندن نیت و یا احضار در نفس است (حر عاملی بی‌تاج ۱۲: ۳۴۲، کتاب الحج، ابواب الاحرام، باب ۱۷، ح ۱) یا روایتی دیگر در کافی که امام (ع) اضممار در نفس را محبوب‌تر از ذکر لسانی دانسته است (کلینی ۱۴۰۷ ج ۴: ۳۳۳، ح ۸). امام خمینی می‌افزاید که بین عوام و حتی برخی از خواص نیز عرف شده که نیت را هم در نفس می‌گذرانند و هم بر زبان جاری می‌کنند. در واقع این اضممار در نیت، امری زائد بر قصد است که از مقدمات وجود فعل اختیاری و از شئون فعلیه و افعال جوانحی نفس است (امام خمینی ۱۳۸۴: ۶۷-۶۶)؛ ایشان معتقد است که اگر به دلیل وجود برخی از روایات مثل «لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ» نیت به معنی اضممار در نفس باشد، تصور خلل در نیت از حیث نقیصه و زیاده، امری واضح است؛ زیرا فعل ممکن است از روی جهل و یا فراموشی و بدون خطور نیت در ذهن یا تکلم به آن محقق شود و موجب ایجاد اخلال به صورت نقیصه شود یا اینکه فعل موجود شود؛ ولی با تکرار اضممار، زیاده در نیت پدید آید (امام خمینی ۱۳۸۴: ۶۷). صاحب عروه امکان ایجاد نقیصه در نیت را می‌پذیرد؛ اما در مورد امکان ایجاد زیاده در نیت می‌گوید که اگر نیت را به معنی انگیزه و قصد درونی بدانیم، تصور زیاده در نیت ممکن نیست، ولی در صورتی که نیت را به معنای خطور ذهنی فرض کنیم، این تصور مشکلی ایجاد نمی‌کند (طباطبایی یزدی ۱۴۱۷ ج ۲: ۴۳۳). خوبی در توضیح کلام ایشان می‌گوید که در فرض اول تصور زیاده امکان ندارد؛ زیرا نیت تا انتهای عمل موجود است (خوبی ۱۴۱۰ ج ۳: ۸). حکیم نیز می‌فرماید: صاحب عروه ایجاد زیاده را در صورت نیت به معنای داعی و قصد، ممکن نمی‌داند به دلیل این که استمرار نیت مانع از صدق زیاده در آن می‌شود. ولیکن زیاده در نیت به معنای خطور ذهنی، راجح بوده و کمال عبادت محسوب می‌شود (طباطبایی حکیم ۱۳۹۱ ج ۶: ۴). البته ایشان استعمال کلمه داعی برای قصد را از روی مسامحه می‌پذیرد؛ زیرا معتقد است که داعی در اصل عبارت از علت و مرجح وجود یک شیء بر عدمش است (طباطبایی حکیم ۱۳۹۱ ج ۶: ۶). در نهایت امام خمینی نیت به معنای «قصد و اراده» را اختیار می‌کند و قول خطور ذهنی را ضعیف می‌داند.

۶. الحاق ضامم به نیت

اگر مکلف چیز دیگری را به نیت معتبر در عبادتش اضافه کند به طوری که به جز امر خداوند متعال، داعی دیگری نیز برای انجام عبادت یا کیفیت خاص آن ایجاد شود و غایتی که موجب انبعاث فرد به اتیان عبادت می شود مرکب از قصد طاعت خداوند و امر دیگری غیر آن باشد، وضعیت نمازش چگونه خواهد بود؟

خوبی معتقد است که اگر عملی صرفاً به قصد ریا و برای جلب نظر مردم انجام شود و هیچ گونه قصد امثال امر خداوند متعال در آن نباشد، باطل خواهد بود (بروجردی بی تاج ۱۴: ۲۳)؛ ولی در صورت انضمام قصد قربت و ریا باهم، چهار حالت قابل تصور است:

حالت اول: مجموع قصد قربت و ریا باهم، محرک اتیان عمل و هرکدام جزء مؤثر هستند به طوری که اگر یکی از دیگری جدا شود، به تنهایی تأثیری نخواهد داشت. بدون شک نماز در این فرض به دلیل اخلال در قصد قربت معتبر در صحت عبادت، باطل است؛ زیرا برای انبعاث به سمت عمل، قصد امر لازم است که در این حالت وجود ندارد. حتی در صورت فقدان نص، بطلان این شق طبق قاعده خواهد بود.

حالت دوم: هرکدام جداگانه دارای تأثیر هستند. به طوری که اگر از دیگری جدا شوند، مستقلاً صلاحیت داعییت را دارند ولیکن به دلیل محال بودن وجود دو علت برای یک معلول، تأثیر فعلی مستند به هر دو باهم خواهد بود نه خصوص هرکدام به تنهایی و مقتضی قاعده در اینجا صحت نماز است؛ زیرا در اتصاف عمل به عبادت، قصد قربت کفایت می کند که اینجا وجود دارد و «عدم اقتران» قصد قربت به داعی دیگر نیز لحاظ نشده است.

حالت سوم: داعی الهی، اصیل بوده و داعی ریایی تابع آن که در این حالت نیز به طریق اولی، نماز صحیح است.

حالت چهارم: داعی ریایی، اصیل بوده و داعی الهی تابع آن. اما اطلاق یکسری روایات در باب ریا، دلالت بر بطلان عمل در همه موارد فوق می کند (بروجردی بی تاج ۱۴: پاورقی ۲۵-۲۳).

صاحب عروه نیز در بیان مصادیق ورود ریا در عمل، به ده مورد اشاره می کند (طباطبایی یزدی ۱۴۱۷ ج ۲: ۴۴۴-۴۴۱، مسئله ۸).

۱. عمل به خاطر ارائه به مردم و بدون قصد امتثال امر خداوند متعال انجام می‌شود که اینجا عمل به دلیل فقدان قصد قربت بلاشکال باطل است.

۲. داعی و محرک عمل، قصد قربت و امتثال امر مولی به همراه ریاست؛ در این فرض نیز نماز باطل است. چه هر دو مستقلاً، چه یکی مستقل و دیگری تبعی و چه هر دو باهم منضم و محرک و داعی باشند.

۳. بعضی اجزای واجب، به صورت ریایی اتیان شود که نماز باطل خواهد بود. اگرچه هنوز محل تدارک باقی باشد.

به عقیده حکیم طبق ظاهر نصوص، اگر در جزئی از واجب، ریا صورت گیرد، همان جزء باطل می‌شود و وجهی برای سرایت بطلان به سایر اجزا نیست. البته اگر صدق کند که وقوع این زیاده در مرکب، عمدی و مبطل بوده بطلان آن به کل عمل سرایت می‌کند و قابل تدارک هم نخواهد بود ولی در صورتی که زیاده محسوب نشود یا غیر مبطل باشد، امکان تدارک آن جزء وجود دارد و مرکب صحیح است (طباطبایی حکیم ۱۳۹۱ ج ۶: ۲۳). خوبی نیز قائل به عدم سرایت بطلان جزء به کل در صورت تدارک است و اینکه ریا در جزء، فقط مقتضی فساد در همان جزء است؛ مگر در صورتی که از باب عناوین دیگر مثل زیاده، برهم خوردن ظاهر نماز، تکلم عمدی، ... مقتضی فساد گردد (بروجردی بی‌تا ج ۱۴: ۲۸).

۴. اگر بعضی اجزای مستحب در نماز (مثل قنوت) به قصد ریا انجام شود، نماز بنا بر اقوی باطل است.

حکیم و خوبی در این فرض نیز فقط قائل به بطلان قنوت هستند و اینکه فرد، گویا اصلاً قنوت بجای نیاورده و لذا نمازش صحیح است. قائلین به بطلان، در واقع معتقدند که قنوت همراه با ریا، جزء نماز است و اگر این جزء باطل شود، زیاده عمدی موجب بطلان نماز خواهد شد و فرقی بین جزء واجب و مستحب نیست. در حالی که اجزای مستحب، جزء ماهیت نماز نیستند. قنوت، امری مستحب بوده که ظرف آن فعل واجب است و به قصد جزئیات اتیان نمی‌شود که زیاده عمدی محسوب گردد؛ و تعبیر جزء مستحب از باب توسعه و مسامحه است (بروجردی بی‌تا ج ۱۴: ۳۰-۳۱؛ طباطبایی حکیم ۱۳۹۱ ج ۶: ۲۳).

۵. اگر اصل عمل برای رضای خدا باشد؛ ولی در مکان خاصی (مثل صف اول جماعت در مسجد) به قصد ریا انجام شود، بنا بر اقوی حکم به بطلان نماز می شود.

۶. اگر اصل عمل برای رضای خدا؛ ولی در زمان خاصی (مثل اول وقت) به قصد ریا انجام شود، بنا بر اقوی باطل است. به عقیده خویی، در این فرض، ریا خارج از ذات عمل است. کلی طبیعی با مصادیق خارجی اش متحد است و لذا فساد یکی به دیگری سرایت می کند و در نتیجه حکم به بطلان نماز می شود؛ زیرا مبعوض نمی تواند مقرب باشد و حرام نمی تواند مصداقی برای واجب گردد، ولی اگر صرف حضور در مکان یا زمان خاص به قصد ریا باشد ولی نماز به قصد تقرب خوانده شود، حکم به فساد نماز نمی شود زیرا اینجا از حریم مأمور به خارج است و بین آن‌ها اتحاد و عینیتی وجود ندارد. مثل حضور در مشاهد مشرفه برای نشان دادن تقوا (بروجردی بی تاج ۱۴: ۳۱).

۷. اگر ریا در اوصاف عمل باشد به اینکه به قصد ریا نماز با خشوع خوانده شود، بنا بر اقوی باطل است. خویی قائل به تفصیل می شود به اینکه خضوع و خشوع و بکاء و یا تباکی از افعال اختیاری انسان هستند که مقارن با نماز واقع می شوند و متحد با آن نیستند. اگر از ابتدا نماز به قصد خشوع یا تباکی ریایی اتیان شود، باطل است ولیکن اگر قصد به نماز برای تقرب به خداوند باشد، ولی ضمن عمل، گریه و خشوع به قصد ریا انجام شود، این عمل بنفسه موضوع مستقلاً برای ریا بوده و از اول قصد نماز، اثبات نماز متصف به خشوع ریایی نیست، بنابراین نماز صحیح خواهد بود گرچه فرد مرتکب اثم شده است (بروجردی بی تاج ۱۴: ۳۲). حکیم می گوید که این افعال اختیاری، هم می توانند مستقلاً موضوع ریا واقع شوند و هم قیدی برای موضوع آن باشند. بنا بر فرض اول، حرام و فاسد بوده ولیکن حرمت و فساد آن به نماز سرایت نمی کند؛ اما در فرض دوم، به دلیل اتحاد عنوان محرم با نماز، نماز حرام بوده و فاسد می شود (طباطبایی حکیم ۱۳۹۱ ج ۶: ۲۵).

۸. اگر در مقدمات نماز مثل مشی به طرف مسجد برای اتیان نماز، ریا صورت گیرد ظاهر، عدم بطلان است؛ زیرا مقدمات، اموری خارج از عمل هستند و لذا دلیلی برای سرایت بطلان وجود ندارد.

۹. اگر در برخی اعمال خارج از نماز مثل تحنّک در حین نماز، ریا صورت گیرد، مبطل نماز نیست.

۱۰. اگر عمل خالصانه برای رضای خدا انجام گیرد؛ ولی بعداً عجب واقع شود، ظاهر، عدم بطلان است.

اما امام خمینی ضمایم را دو قسم مباح و حرام دانسته و می گوید:

الف) اگر ضمیمه، امری مباح باشد. مثل قرار گرفتن در زیر سقف در حرارت شدید به منظور خنک شدن یا خواندن نماز شب به قصد تقرب به خدا و توسعه رزق و روزی، دو حالت در آن متصوّر است:

۱. گاه امر ضمیمه در تعلق اراده به اجزا و بعث به آن تأثیری ندارد بلکه فقط اراده به کل باعث اراده به اجزا می شود و ضمیمه به صورت تبعی مقصود نظر است که اینجا، ضمیمه تأثیری در نیت اجزا و صحت آن ندارد.

۲. گاه امر ضمیمه در تعلق اراده به اجزا تأثیر دارد که این تأثیر یا به صورت مجموعی یعنی قصد کل به همراه قصد ضمیمه است به طوری که هرکدام جداگانه و به تنهایی نمی توانند انبعائی در مکلف ایجاد کنند، یا اینکه هرکدام مستقلاً می توانند در اراده به اجزا تأثیر کنند.

در هر دو حالت، چون ضمیمه، جزء مؤثر در اراده به اجزا است نتیجه، بطلان عمل خواهد بود؛ زیرا جزئیت اجزا، متقوم به اراده ناشی از اراده به کل مأموریه است و عاملی که جزء را جزء نماز می گرداند متوقف بر انبعاث از اراده تعلق گرفته به کل نماز است؛ و اراده ناشی از مجموع «داعی نماز به همراه ضمیمه اش» یا «جامع بین آنها»، اراده متّصف به انبعاث از اراده متعلق به نماز مأموریهها نخواهد بود بلکه اراده ناشی از مجموع داعیین یا جامع بین آنهاست. لذا آن جزء باطل خواهد بود و اگر این جزء رکن باشد نماز باطل و اگر غیر رکن باشد، به واسطه جریان قاعده لاتعاد، باطل نخواهد شد، البته اگر از روی عمد و یا ریا نباشد (امام خمینی ۱۳۸۴: ۷۴-۷۳؛ کرباسی ۱۳۸۲ ج ۱: ۲۱۷-۲۱۲).

ب) اگر ضمیمه، امری حرام مثل ریا باشد.

امام خمینی می گوید بر اساس ظاهر ادله، ریا سبب بطلان نماز به صورت مطلق می شود چه ریا در ابتدای نماز باشد یا در اثنای آن، در اجزای واجب باشد یا مستحب؛ و روایاتی

که در این زمینه وجود دارد دلالت بر این می‌کند که ورود ریا به هر نحوی موجب بطلان عمل خواهد شد. مثل آنکه خداوند متعال خود را بهترین شریک معرفی می‌کند که در صورت شریک قرار گرفتن، از حق خود به نفع شریک می‌گذرد. یا روایت نبوی (ص) که فرمود خداوند متعال عملی که ذره‌ای ریا در آن باشد را نمی‌پذیرد. واضح است که لسان روایات و سایر ادله حرمت ریا، چه مقید یا مخصّص به لسان قاعده لاتعاد یا قاعده رفع باشد، ناظر به تقیید و تخصیص نیست. بلکه حتی ظاهر آن است که قاعده لاتعاد و قاعده رفع به دلیل روایت «كُلُّ رِيَاءٍ شِرْكٌ»، از هرگونه عمل ریایی منصرف خواهند بود و خروج عمل ریایی از این دو دلیل به خاطر انصراف و تخصّص است نه تقیید و تخصیص (امام خمینی ۱۳۸۴: ۷۵-۷۴). ولیکن برخی علماء همچون سید مرتضی عمل ریایی را اصلاً باطل نمی‌دانند. ایشان معتقد است که خلوص از ریا از شرایط قبول عبادت است و عملی که توأم با ریا باشد، ثواب کمتری خواهد داشت ولیکن مجزی خواهد بود (نجفی ۱۳۶۲ ج ۹: ۱۸۹). در واقع از نظر ایشان ادله عبادت بودن نماز برای خداوند متعال، ناظر به معتبر بودن خلوص و بطلان نماز در صورت ریا نیست و برای اثبات مانعیت یا شرطیت آن نیاز به ادله دیگر است؛ لذا نباید گفت که ریاکار، بت یا شیطان را عبادت کرده است (خمینی ۱۴۱۸: ۸۴) در مورد الحاق ریا بعد از اتمام عمل، فقها معتقدند که موجب بطلان نماز نخواهد شد چون ریای مقارن با عمل نیست که با خلوص منافات داشته و آن را از حالت عبادت خارج کند (بروجردی بی‌تا ج ۱۴: ۳۵).

نتیجه‌گیری

- به اجماع فقها یتّ رکن بوده و اخلال عمدی و سهوی در آن موجب بطلان نماز است.
- در مورد اینکه آیا یتّ از اجزای نماز است یا شروط آن، اقوال فقها مختلف است. برخی قائل به شرطیت و برخی قائل به جزئیت شده و بعضی در جزئیت و شرطیت آن هردو تردید کرده‌اند. امام خمینی یتّ را از جمله «شروط» نماز می‌داند.
- هرگونه اخلال عمدی در اجزا و شرایط نماز، موجب بطلان آن می‌شود؛ اما خلل سهوی (چه به صورت زیاده و چه نقیصه) در صورتی موجب بطلان نماز می‌گردد که به ارکان نماز خللی وارد شود.

- در صورتی که نیت به معنای قصد و اراده در نظر گرفته شود، اخلال به نیت در «اصل نماز» به معنای فقدان اراده در آن قابل تصور نیست. چون فقدان اراده در فعل اختیاری قابل تصور نیست؛ زیرا اراده امری بسیط و دایر مدار بین وجود و عدم است و قوام نماز به نیت آن است.
- از نظر امام خمینی، نیت در نماز عبارت است از اتیان نماز به قصد امتثال و اتیان اجزای آن با اراده تابع اراده نماز؛ یعنی مکلف باید از اراده نماز که طبیعت مأموریهها است به ایجاد اجزای آن مثل رکوع و سجود منبعث شود؛ لذا اگر اجزای نماز از تکبیر الاحرام تا سلام نماز از طریقی غیر از باعثیت اراده متعلق به طبیعت نماز موجود شود، لازمه اش این است که این اجزا، اجزای نماز نباشند.
- اگر بعد از علم مکلف به تکلیفی که به طبیعت تعلق گرفته و تصدیق به وجود مصلحت در فعل و لزوم ایجاد آن، اراده وی به ایجاد اجزای آن تعلق گیرد، در این صورت آن جزء مأموریه محسوب می شود خواه شخص در حال ایجاد جزء، به اراده تعلق گرفته به طبیعت نماز یا اراده به اجزای آن التفات داشته یا نداشته باشد؛ و این توجه و عدم توجه به اراده، سبب خلل در نیت نه نسبت به خود نماز و نه اجزای آن نخواهد شد؛ اما اگر نسبت به طبیعت و امر تعلق گرفته به آن غفلت تام پیدا کند، به طوری که اراده جزء، منبعث از اراده طبیعت نباشد بلکه یا اراده مستقل و غیر تابع اراده کل یا تابع مبادی دیگری غیر از اراده نماز باشد در این صورت خلل در نیت رخ خواهد داد و این جزء، جزء طبیعت مأموریهها نخواهد بود بلکه باطل است. چون در عبادت، معتبر این است که اراده اجزا، منبعث از اراده مأموریه باشد.
- اگر خلل در نیت اجزا، در اجزای رکنی واقع شود، نماز باطل می گردد ولی اگر در اجزای غیر رکنی باشد، نماز باطل نشده بلکه فقط همان جزء باطل می گردد. اگر امکان تدارک آن وجود داشته باشد، جبران آن واجب است؛ و الا به دلیل ورود در رکن بعدی و تجاوز از محل و با استناد به عقد مستثنی منه قاعده لاتعاد، نماز صحیح خواهد بود.
- طبق نظر امام خمینی، وجود ضمایم در نیت، در صورتی که مباح بوده و در تعلق اراده به اجزا و بعث به آن ها تأثیری نداشته باشد، موجب بطلان نماز نخواهد شد، ولی وجود ضمیمه حرام مثل ریا در نیت، به صورت مطلق موجب بطلان نماز می شود؛ و واضح است که لسان روایات و سایر ادله حرمت ریا، چه مقید یا مخصص به لسان قاعده لاتعاد

یا قاعده رفع باشد، ناظر به تقييد و تخصيص نيست و خروج عمل ريائي از اين دو دليل به خاطر انصراف و تخصص است نه تقييد و تخصيص.

منابع

- ابن فارس، احمد بن زكريا. (۱۳۹۹ ق) **معجم مقاييس اللغة**. با تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قم: دارالفكر، ۶ جلدی.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ ق) **لسان العرب**، بيروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۵ جلدی.
- امام خميني، سيد روح الله. (۱۳۸۴) **الخلل في الصلاة**، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، چاپ دوم.
- _____ . (۱۳۷۹) **تحرير الوصيله**، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره)، چاپ اول.
- بروجردی، حسين. (۱۴۲۰ ق) **نهایة التقرير في مباحث الصلاة**، قم: مركز فقهی ائمه اطهار (ع)، چاپ سوم، ۳ جلدی.
- _____ . (۱۴۲۶ ق) **تبيان الصلاة**، با تقرير على صافي گلپايگانی، قم: گنج عرفان، چاپ اول، ۸ جلدی.
- بروجردی، مرتضى. (بی تا) **المستند في شرح العروة الوثقى**، قم: مؤسسه احیاء آثار امام خوبی، ۳۴ جلدی.
- جوهری، اسماعيل بن حماد. (۱۴۰۷ ق) **تاج اللغة و الصحاح العربية**، بيروت: دارالعلم للملایین، چاپ چهارم، ۶ جلدی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (بی تا) **وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه**، قم: مؤسسه آل البيت، ۳۱ جلدی.
- خمینی، مصطفی. (۱۳۷۶) **الخلل في الصلاة**، قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- _____ . (۱۴۱۸ ق) **الواجبات في الصلاة**، قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.

- خویی، ابوالقاسم. (۱۴۱۰ ق) کتاب الصلاة، با تقریر علی تبریزی غروی، قم: دارالهادی، چاپ سوم، ۸ جلدی.
- روحانی، عباسعلی و نگار علیزاده. (۱۳۹۶) «الخلل فی الغسل با رویکردی بر آرای امام خمینی (س)»، پژوهشنامه متین، شماره ۷۵، صص ۱۲۸-۱۱۱.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۹ ق) ذکر الشیعه فی أحكام الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۴ جلدی
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ ق) مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۶ جلدی.
- شیخ انصاری، مرتضی. (بی تا) کتاب الطهاره ۵، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام للطباعة والنشر، ۲ جلدی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷) المبسوط فی فقه الإمامیه، با تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران: المكتبة المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، چاپ سوم، ۸ جلدی.
- صاحب، اسماعیل بن عباد. (بی تا) المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الكتاب، ۱۱ جلدی.
- طباطبایی حکیم، محسن. (۱۳۹۱)، مستمسک العروة الوثقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۴ جلدی.
- طباطبایی یزدی، محمدکاظم. (۱۴۱۷ ق) العروة الوثقی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۶ جلدی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۰ ق) نهیة الأحكام فی معرفة الأحكام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۲ جلدی.
- _____ (۱۴۱۴ ق) تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۸ جلدی.
- _____ (۱۴۱۳ ق) قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول، ۳ جلدی.
- علیخانی، فرهاد. (۱۳۸۵) بررسی قاعده لاتعاد با تأکید بر آراء امام خمینی (س) و آیت الله خویی (س)، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم.
- فخرالمحققین، محمد بن حسن. (۱۳۸۷) إیضاح الفوائد فی شرح إشکالات القواعد،

- قم: المطبعة العلمية، چاپ اول، ۴ جلدی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق) **کتاب العین**، با تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرئی، مؤسسه دارالهجرة. چاپ دوم، ۸ جلدی.
- کرباسی، علی. (۱۳۸۲) **المشكاة**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۳ جلدی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق) **الکافی (ط-الإسلامیه)**، با تحقیق و تصحیح محمد آخوندی و علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۹ جلدی.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۷ ق) **المعتبر فی شرح المختصر**، با تحقیق جمعی از نویسندگان زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، قم: مؤسسه سیدالشهدا (ع)، چاپ اول، ۲ جلدی.
- _____ . (۱۴۰۹ ق) **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، تهران: استقلال، چاپ دوم، ۴ جلدی.
- محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق) **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ دوم، ۱۴ جلدی.
- مصطفی، ابراهیم. (بی تا) **المعجم الوسیط**، مجمع اللغة العربیة بالقاهرة، دارالدعوه، ۲ جلدی.
- موسوی بجنوردی، حسن. (۱۳۷۷) **القواعد الفقهیة**، با تحقیق محمد حسین درایتی و مهدی مهریزی، قم: الهادی، چاپ اول، ۷ جلدی.
- موسوی بجنوردی، محمد. (۱۳۸۰) «قاعدہ لاتعاد الصلاة الا من خمس الطهور و القبلة و الوقت و الركوع و السجود»، پژوهشنامه متین، شماره ۱۳، صص ۲۹-۵۴.
- موسوی عاملی، محمد بن علی. (بی تا) **مدارک الاحکام فی شرح شرائع الإسلام**، قم: مؤسسه آل البيت، ۹ جلدی.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۲) **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، با تحقیق عباس قوچانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۴۴ جلدی.
- همدانی، آغا رضا. (۱۴۱۸ ق) **مصباح الفقیه**، تحقیق مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث، قم: مؤسسه مهدی موعود (عج)، چاپ اول، ۱۵ جلدی.

- وحید بهبهانی، محمدباقر. (بی تا) *مصایح الظلام فی شرح مفاتیح الشرایع*، مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهانی، ۱۱ جلدی.
- Alikhani, Farhad. (2006) *Examining the rule of non-existence with emphasis on the views of Imam Khomeini and Ayatollah Khomeini*, Master Thesis, Qom: Qom University. (In persian)
 - Allame Helli, Hassan Ibn Yusuf. (1989) *Nahayat ol- ehkam fi Maarefat ol- ahkam*, Qom, Ismailian Institute, Second Print, 2 volumes. (In Arabic)
 - _____. (1993) *Tazkrah al-Foqhaha*, Research: Al ol-Bayt Institute, Qom: Al ol-Bayt Institute, first Print, 18 volumes. (In Arabic)
 - _____. (1992) *Ghavaed al-ahkam fi ma' refat al-halal va al-haram*, Research: Islamic Publishing Foundation, Qom: Islamic Publishing, First Print, 3 volumes. (In Arabic)
 - Boroujerdi, Hussein. (2000) *Nahaya Al-taghrir fi Mabahes al-salah*, the jurisprudential center of the Imams, Qom, the jurisprudential center of the Imams, third Print, 3 volumes. (In Arabic)
 - _____. (2005) *Tebyan al-salah*, Safi Golpayegani, Ali, Qom: Ganje Erfan, First Print, 8 volumes. (In Arabic)
 - Boroujerdi, Morteza. (n.d) *Al-Mustand Fi Sharh al-Urwa al-Wathqa*, Qom: Institute for the Revival of the Works of the Imam al-Khoi, 34 volumes (In Arabic)
 - Fakhr al-Muhaqqehin, Muhammad ibn al-Hassan. (2008) *Izah al-favaed fi sharhe eshkalate al-ghavaed*, Qom: Al-elmiye, first edition, 4 volumes. (In Arabic)
 - Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1988) *Kitab al-Ain*, Research: al-Makhzoumi, Mahdi; Al-Samarai, Ibrahim, Dar al-Hijra Institute, second Print, 8 volumes. (In Arabic)
 - Hamadani, Agha Reza. (n.d) *Mesbah al-Faqhih*, Researcher: Al-Jaafarie Institute for the Revival of Heritage, Qom: mahdi mu'ud Institute, first Print, 15 volumes. (In Arabic)
 - Horr Ameli, Muhammad Ibn Hassan. (n.d) *Vasael al-Shiah ela Tahsil Masaele al-Shariah*, Qom: Al al-Bait, 31 volumes. (In Arabic)

-
- Ibn Fares, Ahmad Ibn Zakaria. (1979) *Mô jam Maghais ol lloGhah*, Researcher: Mohammad Haroon, Abd al-Salam, Dar al-Fikr, 6 volumes. (In Arabic)
 - Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mokram. (1993) *Lesan ol arab*, Beirut, Dar Sader, Third Print, 15 volumes. (In Arabic)
 - Jawhari Farabi, Ismail Ibn Hamad. (1986) *Al-Sehah*, Beirut, Dar al-elm lelmollain, fourth Print, 6 volumes. (In Arabic)
 - Karbasi, Ali. (2003) *Al-Meshkah*, Tehran: Imam Khomeini Publishing House, first Print, 3 volumes. (In Arabic)
 - Khoei, Abu al-Qasim. (1989) *Kitab al-Salah*, Narration: Tabrizi Gharavi, Ali, Qom: Dar al-Hadi, third Print, 8 volumes. (In Arabic)
 - Khomeini, Mustafa (1997) *Al-Khelal fi al-Salah*, Qom: Imam Khomeini Publishing House, First Print. (In Arabic)
 - _____. (1997) *Obligations in Prayer*, Qom: Imam Khomeini Publishing House, First Print. (In Arabic)
 - Khomeini, Ruhollah. (2005) *Al-Khelal fi al-Salah*, Tehran: Imam Khomeini Publishing House, Second Print. (In Arabic)
 - _____. (1989) *Tahrir al-vasileh*, Tehran: Imam Khomeini Publishing House, 2 volumes. (In Arabic)
 - Koleini, Mohammad Ibn Ya'qub. (1986) *Al-Kafi*, researcher/editor: Akhundi, Mohammad and Ghaffari, Ali Akbar, Tehran: Dar Al-kotob al- islamie, fourth Print, 9 volumes. (In Arabic)
 - Mousavi Bojnordi, Mohammad. (2001) 'A rule that the prayer should not be repeated except from the five purification, the qiblah, the time, and the bowing and prostration', *Matin Research Journal*, No 13, PP. 29-54 (In persian)
 - Muhaqheqh Karak. Ali Ibn Hossein. (1993) *Jame al-Maqhased fi Sharh al-Qhava'ed*, Qom, Al-Albayt Institute, Second Print, 14 volumes. (In Arabic)
 - _____. (1988) *Sharay' al-eslam fi masael al-halal va al-haram*, Tehran: Esteghlal, Second Print, 4 volumes. (In Arabic)

- Muhaqqeqh Helli, Ja'far ibn Hasan. (1986) *Al-Mu'tabar Fi Sharh Al-Mukhtasar*, Researcher: A group of writers, under the supervision of Makarem Shirazi, Nasser, Qom: Seyyed Al-Shohada Institute, first Print, 2 volumes. (In Arabic)
- Musawi Ameli, Muhammad ibn Ali. (n.d) *Madarek al-ahkam fi sharh sharayé al-eslam*, Qom: Alol-Bayt Institute, 9 volumes. (In Arabic)
- Musawi Bojnourdi, Hassan. (1998) *Fiqh Rules*, Research: Al-Drayti, Mohammad Hossein and Al-Mehrizi, Mehdi; Qom: Al-Hadi, first Print, 7 volumes. (In Arabic)
- Mustafa, Ibrahim. (n.d) *Al-mo'jam al-vasit*, Arabiya Language Collection in Cairo, Dar Al-Da'vah, 2 volumes. (In Arabic)
- Najafi, Muhammad Hasan. (1983) *Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharayé al-Islam*, Researcher: Qhuchani, Abbas, Beirut: Dar ehya Al-Turath Al-Arabi, Seventh Print, 44 volumes. (In Arabic)
- Rouhani, Abbas Ali; Negar Alizadeh. (2017) 'alkhalal fi al-ghusl with an approach to the views of Imam Khomeini', *Matin Research Journal*, No 75, PP. 111-128. (In persian)
- Saheb, Ismail Ibn Ebad. (n.d) *Almohit fi al-loghah*, Alam al-ketab, 11 volumes. (In Arabic)
- Sheikh Ansari, Morteza, *Ketab Al-taharah*, 5 volumes. (In Arabic)
- Sheikh Tusi, Mohammad Ibn Hassan. (2008) *Al-Mabsut fi Fiqhh Al-Imamiyah*, Researcher: Behboodi, Mohammad Baqir, Tehran: Al-Maktab al-Mortazawiyah le ehya al-Athar al-Jaafariyah, third Print, 8 volumes. (In Arabic)
- Tabatabai Hakim, Mohsen. (2012) *Mostamsek al-Urwa al-Wothqa*, Beirut: Dar ehya Al-Torath Al-Arabi, Fourth Print, 14 volumes. (In Arabic)
- Tabatabai Yazdi, Mohammad Kazem. (1996) *Al-Urwa al-Wathqa*, Qom: Islamic Publishing Institute, first Print, 6 volumes. (In Arabic)
- The First Martyr, Muhammad ibn Makki. (1998) *Zekra al-shiah fi Ahkam al-Shariah*, Qom: Al al-Bayt Institute, first Print, 4 volumes. (In Arabic)

-
- The Second Martyr, Zayn al-Din. (1992) *Masalek ol-Afham ela Tanghih Sharayé al-eslam*, Islamic Knowledge Foundation, First Print, 16 volumes. (In Arabic)
 - Vahid Behbahani, Muhammad Baqir. (n.d) *Masabih al-Zalam fi Sharh Mafatih al-Sharayé*, Al-allameh Al-Mujaded Al-Wahid Al-Behbahani Foundation, 11 volumes. (In Arabic)